

حقوق بشر از دیدگاه اسلام

دکتر محمد مظهري^{۱*}، مهرا ن مولوی^۲

* استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول
۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

چکیده

بشر در دوران حیات و زندگی اش، حقوقی بر گردن پدر و مادر و حقوقی بر گردن محیط و اجتماع خود دارد و موجودی اجتماعی است او برای رسیدن به این غریزه ی اجتماعی نیازمند قانونی همگانی و دائمی برای بشر می باشد تا بتواند به نظم و نظام دقیق برسد. اطاعت از چنین قانونی مطابق فطرت است و از آنجا که اسلام قانونی مطابق با فطرت است، پس قطعاً اسلام جواب کاملی برای حق و حقوق بشر دارد. با وجود این اسلام از سوی بسیاری از حکومت های سیاسی ناقض حقوق بشر معرفی شده است. این مقاله با رویکردی نظری و تحلیلی به بررسی حقوق بشر از دیدگاه اسلام می پردازد در نهایت به این نتیجه نائل شد که اسلام کاملترین قانون زندگی بشر است که به صورت تمام و کمال تمامی حقوق بشر در آن لحاظ شده است.

واژه های کلیدی: حق، حقوق بشر، اسلام.

مقدمه:

انسان موجودی اجتماعی است و از هنگام تولد در پی آن بوده است که برای بقای حیاتش محیط اطرافش را تحت تسلط خود درآورده است. گذر زمان و شرایط حاکم بر زندگی، آدمی را به این نکته‌ی مهم سوق داده که برای دستیابی به حد والای حیات و دستیابی به توانایی‌های بالفطره و ذاتی، زندگی انفرادی مکفی نبوده و خصلت اجتماعی آدمی، وی را به تشکیل اجتماع و زندگی اجتماعی نمود داده است. او برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود به هم نوعان خود نیازمند است. پس ابتدا از گروه‌های کوچک اجتماعی شروع کرده تا برسد به جوامع کامل تری چون طایفه، قوم، ملت و دولت. پس زندگی جمعی لازمه‌ی هر انسانی می‌باشد اما تنها داشتن‌غریزه‌ی اجتماعی کافی نیست و نمی‌توان جوامع بشری را به گونه‌ای هدایت کرد که آنان بر حقوق خود قانع نشوند و از خودخواهی و منافع شخصی بپرهیزند و بر حقوق مردم و اجتماع تجاوز نکنند. بنابراین نوع بشر نیازمند قانون مشترک و دائمی است تا بتواند به یک نظم و نظام دقیق برسد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، تمام مردم جهان و دولت‌ها، که از جنگ و کشتار به ستوه آمده بودند، در صدد تشکیل سازمان ملل برآمدند. از یک سو، بخشی از این سازمان، متولی حقوق بشر شد و منشوری را در سال ۱۹۴۸ به تصویب رساند که مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده می‌باشد. این منشور به انواع آزادی‌های فردی، نژادی، مذهبی، برابری و کرامت انسان‌ها می‌پردازد. از سوی دیگر، کشورهای مسلمان دست به تدوین و تصویب حقوق بشر اسلامی زده‌اند؛ چون این کشورها معتقدند که در حقوق بشر غرب، تعارضات و نواقصی وجود دارد که نمی‌توان آن را در کشورهای اسلامی به طور کلی و بی‌قید و شرط اجرا کرد. آنچه موجب پدید آمدن حقوق بشر اسلامی شد فرهنگ خاص جوامع اسلامی است که قوانین و مقررات نیز بر آن مبنا تنظیم شده است. در حالی که اساس حقوق بشر جهانی بر تطابق با فرهنگ غرب و دین مسیحیت است. حقوق بشر جهانی اسلام، تعارضی با جوامع اسلامی و مقررات حاکم بر آن‌ها ندارد، از این رو، در این کشورها قابل اجرا می‌باشد. جوامع اسلامی به دلیل فرهنگ، دین و مذهب خاص و ویژه خود نیازمند حقوقی متناسب با جامعه اسلامی خود هستند. مفهوم حقوق بشر به معنای حقوق اساسی و اولیه‌ای می‌باشد که تمام انسان‌ها در آن از جهت انسانیت شریک‌اند. (سیدیان، شبیان نیا، ۱۳۸۴). اسلام آخرین دین الهی است که توسط خاتم‌انبیاء و آخرین سفیر وحی، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله)، آورده شده است. روشن است که اطاعت از چنین قانونی مطابق با فطرت است. و از آنجا که اعتقاد بر این است که اسلام دینی مطابق با فطرت است پس قطعاً اسلام جواب کاملی برای حق و حقوق بشر دارد اما با توجه به اینکه جهان اسلام در معرض حملات نظامی، فرهنگی، تبلیغاتی و اقتصادی شدید است که از جمله آن حمله‌های تبلیغاتی است که از طرف بعضی از سازمان‌ها، به اسم حقوق بشر انجام می‌گیرد که پیوسته جامعه‌ی ما را به جامعه‌ی ناقض حقوق بشر و کرامت انسانی متهم می‌کند. (سعیدالغامدی، ۱۳۹۲، ص ۴). اگر این سازمان‌ها نگاهی منصفانه به اسلام و قوانین آن بیاندازند حتماً در می‌یابند که اسلام به جلب مصلحت و تکمیل آن و دفع مفسده‌ها و کم کردن اهمیت آن‌ها اهمیت زیادی می‌دهد. از جمله این امور حفظ ضروریات پنج‌گانه است: دین، جان، عقل، نسب، مال که تجاوز به این امور حرام می‌باشد. بنابراین حقوق انسان در حقیقت بر دو اصل متکی است: آزادی و عدالت و اینها در قرآن و سنت به طوری که شایسته انسانیت است بیان شده است. (سعیدالغامدی، ۱۳۹۲، ص ۴) البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که مشترکات زیادی در میان اهداف حکومت اسلامی و سایر حکومت‌ها وجود دارد.

گفتار اول: مفاهیم و اصطلاحات

حق: حق از نظر لغوی در فرهنگ معین‌چنین است: ۱. راست، درست، راستی، درستی ۳. عدل، انصاف ۴. نصیب، بهره ۵. ملک و مال (فرهنگ معین). فیروز آبادی صاحب‌القاموس‌المحیط می‌گوید: حق از اسامی یا صفات خداوند متعال می‌باشد و به معنای: قرآن، ضد باطل، امر وسیع و گسترده، عدل، اسلام، ملک و موجودی که ثابت است، صداقت، مرگ و اندوه آمده است. حق مفرد حقوق است. (القاموس‌المحیط).

حق به معنای توانایی و اختیار قانونی افراد (واحدی، ۱۳۷۶، ص ۱۳).

در اصطلاح تعریف حق در فقه چنین است: حق نوعی سلطنت بر چیزی است که گاه به عین تعلق می‌گیرد؛ مانند: حق حضانت و حق قصاص. بنابراین، حق یک مرتبه ضعیفی از ملک و بلکه نوعی از ملکیت است» (مدرس، ۱۳۷۵، ص ۲۵). فقهای

شیعه تعاریف گوناگونی از آن بیان داشته‌اند. میرزای نائینی در تعریف آن می‌گوید: «حق عبارت است از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت» (نائینی، ۱۴۰۸، ص ۸۶).

تعریف حق در قانون: در تعریف «حق» در اصطلاح حقوق نظرات گوناگونی وجود دارد. برای شناخت «حق»، اطلاع از این تعاریف ضروری است. «حق» عبارت است از قدرت یا سلطه ارادی که قانون در اختیار شخص قرار می‌دهد. این تعریف از سوی ویند شاید و ساوینی ارائه شده است. دلیل آنان این است که قانون در تنظیم روابط اجتماعی افراد با یکدیگر، چهارچوب‌های خاصی را تعیین می‌کند و هریک از افراد در این محدوده، اراده خویش را اعمال می‌کنند و اساساً در این چهارچوب است که «حق» ایجاد می‌شود.

حقوق (جمع حق)، مجموعه مقرراتی است که در زمان معین بر جامع‌های حکومت می‌کند. تا آنجا که تاریخ به یاد دارد، انسان همواره در بند این گونه الزام‌ها بوده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۲).

برخی نیز گفته‌اند که دانش قانون را حقوق می‌گویند که منظور همان علم حقوق است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). حقوق مجموعه قواعد، نظام‌ها و مقرراتی است که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر است (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۳۶).

برخی دیگر از قانون دانان حق را اینگونه تعریف کرده‌اند که مصلحتی است که قانون از آن حمایت می‌کند. پس حق در سایه قوانین مصلحتی است که قانون از آن حمایت کند و در سایه اسلام تعریف دیگر حق مصلحتی است که شریعت از آن حمایت می‌کند. مصلحت‌ها در قانون عبارتند از: حفظ جان، حفظ مال، حفظ عقل، حفظ نسل در حالی که حفظ دین در آن وجود ندارد که این یک اختلاف اساسی است. (سعید الغامدی، حقوق بشر در اسلام، ۱۲).

معنای بشر: شر از نظر لغوی به معنای مردمی، آدمی، انسان است. (فرهنگ معین) و در زبان عربی بشر به معنای: انسان، آدمی. این واژه بر مذکر و مؤنث چه مفرد و چه جمع اطلاق می‌شود؛ «أَبُو الْبَشَرِ»: کنیه ی حضرت آدم است؛ «ابنُ الْبَشَرِ»: لقب حضرت عیسی مسیح در نزد مسیحیان است.

بشر از نظر اصطلاحی: از دیدگاه اسلام، انسان موجودی ارزشمند است که باید به عنوان یک موجود با شعور و دارای اراده و اختیار و به دیده احترام به او نگریست.

حقیقت بشر، همان فطرت مصون از تبدیل و تغییر است که در اثر ارتباط با خصوصی‌تهای اقلیمی، گوناگون خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۳).

مفهوم حقوق بشر:

اصطلاح حقوق بشر نسبتاً جدید است و پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روز مره شده است. این عبارت جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی و حقوق انسان شده است که قدمتی بیشتر دارد. حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. این تعریف ساده عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به دنبال دارد. مطابق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد ضمن اینکه همه‌ی افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین‌المللی موجودند می‌شود. دکترین و فعالین حقوق بشر، در فعالیت‌های بین‌المللی خود در زمینه حقوق بین‌الملل، نهادهای جهانی و منطقه‌ای، سیاست‌های دولتی و در فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، اساس و شالوده سیاست‌های عمومی و اختصاصی در این زمینه را بنا نهاده است. در واقع می‌توان گفت در صورتی که جامعه جهانی در فضای صلح، با یک زبان مشترک اخلاقی، گفتگو و مباحثه کند، این زبان مشترک اخلاقی، در واقع، حقوق بشر نامیده می‌شود. با این وجود هنوز امروزه دکترین حقوق بشر،

نظریه‌هایشان را در این مورد با شک و تردید بیان می‌کنند و مباحثه آن‌ها بیشتر در زمینه محتوا، ماهیت و چگونگی توجیه حقوق بشر است. در واقع، پرسش بحث‌برانگیز همانا خود معنای حق یا حقوقی است که باید به رسمیت شناخته شود. این بحث در گفتمان‌های فیلسوفان همچنان ادامه دارد حداقل حقوقی که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است.

گفتار دوم: مبانی حقوق بشر در اسلام

"یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد" (آیه یک سوره نساء). ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که خداوند شما را از یک نفس واحد به وجود آورد. انسان‌ها از یک نفس واحد به وجود آمده‌اند و صرف نظر از تفاوت‌های دینی و آیینی و مذهبی در مبانی فطری با یکدیگر مشترکند. می‌توان گفت ریشه همه احکام تشریحی در اسلام، اعم از حقوقی و غیر حقوقی در فطرت انسان به صورت بالقوه موجود است و همه‌ی انسان‌ها در این فطرت و سرشت اولیه یکسانند. می‌توان گفت این مبنا همان چیز است که انجام آن لازم و ضروری و عدم انجام آن دارای حرمت می‌باشد. و این چیز است جدای از هدف علم حقوق. در حقیقت کمک به اجرای مبانی حقوق، هدف حقوق است. ریشه‌ی اختلافات بشر هم ناشی از نوع تغییر او از مبانی و اهداف حقوق و مصادیق آن است. وقتی در انتخاب هدف و مبنا خلط شود یا آنچه مبنا نیست مبنا در نظر گرفته شود پس با برداشت‌ها و نظرات گوناگون افراد مواجه خواهیم شد.

اما از دیدگاه اسلام، چه در نظام فردی و چه در نظام اجتماعی، هدف نهایی تمام احکام، رسیدن به قرب و وصول به دریای بیکران رحمت است و در این نظام، طبیعت افراد به عنوان مبنا یا اولیه یا مبنا نزدیک و تأمین عدالت و رفاه اجتماعی به عنوان مبنا دور یا مبنا ثانویه مطرح است؛ بنابراین، می‌توان چنین بیان نمود که در مکتب اسلام، یک هدف عالی وجود دارد که دارای ارزش ذاتی است و آن رسیدن به قله کمال انسانی است و بقیه اهداف، ارزش وسیله دارند و به عنوان مقدمه یا مبنا برای رسیدن به آن هدف عالی هستند.

گفتار سوم: منابع حقوق بشر در اسلام

حقوق اسلامی بر خلاف قوانین موضوعه، تنها از عقل و وجدان انسان سرچشمه نمی‌گیرد، سرچشمه قوانین اسلامی، خدای جهان آفرین است، اوست که از مصالح و مفاسد کارها و روابط و پیوستگی‌های امور آگاهی درستی دارد و زمان قانون گذاری، سعادت جامعه را در نظر می‌گیرد، نه منافع شخصی یا گروهی و جانبداری بیجا از این و آن؛ پس مقام قانون گذاری منحصر به اوست. برای دریافت و قوانین الهی از نظر فقه امامیه چهار مرجع صلاحیت دار وجود دارد و این چهار مرجع به شرح زیر هستند: قرآن، سنت، اجماع و عقل.

گفتار چهارم: اساس حقوق بشر در اسلام

۱. حقوق اساسی

حقوق اساسی که شامل: حق برابری، حق زندگی، حق انسان در امن زیستن، حق کرامت، حق عدالت. اینک به شرح موارد مذکور از نظر اسلام می‌پردازیم.

حق برابری

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید، بی گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است. (آیه ۱۳ سوره حجرات).

شیخ محمد خضر بن حسن می‌گوید: خداوند انسانها را بر حسب فطرتشان به طور مساوی خلق کرده‌است و همچنین به طور یکسان و برابر و آزاد متولد شده‌اند. ولی وارد شدن در نبرد زندگی اجتماعی لباس تساوی و شبیه بودن را از انسانها خلع می‌کند و بعضی از آنها را در مقابل برابر بعضی دیگر درجاتی بلند ترمی کند. (سعیدالغامدی، ۱۳۹۲، ص ۶۷).

خداوند انسانها را بر حسب فطرتشان به طور مساوی خلق کرده‌است و همچنین به طور یکسان و برابر و آزاد متولد شده‌اند ولی وارد شدن در نبرد زندگی اجتماعی لباس تساوی و شبیه بودن را از انسانها خلع می‌کند و بعضی از آنها را در مقابل برابر بعضی دیگر درجاتی بلند تر می‌گیرند. پس در آیه فوق جمله‌ی ما شما را از مرد و زن آفریدیم نشان فطرت اولیه است و اینکه

شما را تیره تیره و قبیله قبیله نمودیم تا همدیگر را بشناسید اشاره به جدایی و برتری جوی انسان است همچنین خداوند در آیه ۹ سوره زمر بیان می‌دارد: بگو: آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند یکسان اند؟ هنگامی که ابوذر مردی را به داشتن رنگ مادرش نکوهش کرد، پیامبر(ص) به او گفت تو هنوز در جاهلیت هستی. و در آیه ۱۲ سوره می فرماید: همانا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوا ترین شماست. بنابراین مساوات در اسلام بستگی به شرایطی دارد که تساوی در اصل خلقت و حقوقی که بر آن مترتب می‌شود را داشته باشد تا همگی در صفت انسان بودن مشترک باشند. پیامبر (ص): انسانها همگی مانند دندانهای شکرش مساوی هستند. صاحب بزرگترین رسالت، حضرت محمد: در حالی که مردم را در حجة الوداع مخاطب قرار می‌داد، ای مردم، پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است همگی از آدم هستید و آدم از خاک « می فرموده است، گرامیترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ بر سفید و سفید بر سرخ جز تقوا هیچ برتری ندارد آیا نرساندم؟ خداوندا شاهد باش که نرساندم، ای مردم هوشیار باشید، کسانی که حاضر هستند به کسانی که غایب هستند برسارند.

حق زندگی

هر کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است، و هر کسی انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گوئی همه انسانها را زنده کرده است. (آیه ۳۲ سوره مائده) اسلام گرفتن جان دیگری که حیات و زندگی اوست را جرمی ضد تمام انسانها قلمداد می‌کند و در مقابل رهانیدن جان از مرگ و نابودی نعمتی برای تمام انسانها قلمداد کرده است و همچنین مسلمان و غیر مسلمان از دیدگاه اسلام در حرام بودن خونشان و استحقاق زندگی یکسان هستند. به همین دلیل تجاوز به صلح پذیران اهل کتاب و انکار و فحش دادن به آنها مانند تجاوز به مسلمان است و در دنیا و آخرت فرد متجاوز عاقبت بدی دارد. داشتیم که انسان در برابر انسان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و جراحیها قصاص دارد. (آیه ۴۵ سوره مائده). از ابن عباس ب روایت شده است که می فرماید: یک نفر در زمان پیامبر(ص) و در مدینه کشته شده بود و کسی نمی دانست که چه کسی وی را کشته است. پیامبر(ص) بالای منبر رفت و فرمود ای مردم یک نفر کشته شده است و حال آنکه من میان شما هستم و کسی نمی داند که چه کسی وی را کشته است. اگر تمامی اهل آسمان و زمین در قتل یک نفر مشارکت بکنند، خداوند متعال همگی آنها را عذاب می دهد مگر چیز دیگری بخواهد که خود انجام می دهد. پیامبر (ص) می فرماید: قطعاً نابودی دنیا بهتر از کشته شدن یک نفر مسلمان است. و همچنین ایشان فرموده اند: می فرماید: کسی که خود را با آلت آهنی بکشد، همان آلت در دستش است در حالی که آنکوهی پرت کند تا خودکشی کند، در آتش جهنم پرت می شود و تا ابد در آن می ماند. را رو به شکمش گرفته در جهنم به طور ابدی می ماند. و کسی که خود را با سم بکشد، با سمی که در دست دارد و آن را احساس می کند در آتش جهنم وارد می شود و تا ابد می ماند و کسی که خود را از اسلام قطعاً هر عملی را که از حق زندگی بکاهد، حرام کرده است. خواه آن عمل ترساندن، اهانت، زدن، بازداشت کردن، تجاوز کردن یا طعنه به آبروی شخص باشد، فرقی نمی کند. چون این حق زندگی نعمتی است که خداوند متعال به انسان داده است و آن را با بزرگترین حصار ضمانتی محصور کرده است. تا آن را از هر تجاوز و دشمنی حمایت کند. در اسلام زندگی مادی و ادبی انسان جایگاه رعایت و احترام است. و این حقی است که همگی انسانها بدون تمایز و تفرقه از آن برخوردارند.

حق انسان در امن زیستن:

یکی از مهم ترین اهدافی که هر حکومتی، به ویژه حکومت اسلامی، در پی تحقق آن است، برقراری نظم، امنیت، رفاه و آسایش شهروندان است. در سایه برقراری نظم، امنیت، رفاه و آسایش، شهروندان جامعه اسلامی مجال بیشتری می یابند تا به هدف نهایی خود بیندیشند و بهره مندی از امنیت و رفاه را در کنار تأمین به سمت آن حرکت کنند. امام صادق(ع): سه چیز است که همه مردم بدان نیازمندند: عدالت، امنیت، رفاه. از ضروریات زندگی بشر قلمداد نموده اند دلیل اینکه حضرت بر این سه تأکید نموده اند این است که مردم در طول حیاتشان از این سه امر، بی نیاز نیستند و دولت مسئول تحقق آنها در زندگی

اجتماعی است. زیستن با امنیت وقتی امکانپذیر است که جز محافظت بر کلیات پنجگانه که ادیان سماوی و در رأس آنها اسلام بر آن نازل شده اند محافظت شود. این کلیات پنجگانه مقاصد شریعت نامیده می شود که عبارتند از: حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ آبرو و ناموس و حفظ مال.

آیات زیر بیانگر موارد فوق اند :

باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند. (آیه ۱۰۴ سوره آل عمران). شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آورده شده است به کار شایسته فرمان می دهید و از کار ناشایست باز می دارید و به خدا ایمان دارید. (آیه ۱۱۰ سوره آل عمران). سوگند به نفس آدمی و آنکه آن را ساخته و پرداخته کرده است. (آیه ۷ سوره شمس). این حدود خداست، هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند خدا او را به باغهای بهشت وارد می کند که در آنها رودبارها روان است و جاودانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگی است. و آن کس که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای خدا در گذرد. خداوند او را به آتش وارد می گرداند که جاودانه در آن می ماند و او را عذاب خوار کننده ای است. (آیه ۱۳ و ۱۴ سوره نساء).

حق کرامت :

ما آدمی زادگان را گرمی داشته ایم و آنان را در خشکی و دریا حمل کرده ایم. و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده ایم. و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده ایم. (آیه ۷۰ سوره اسراء).

و این کرامت در مردم تجلی پیدا می کند و خالق انسانها امکاناتی را برای سروری و برتری مردم در روی زمین آماده کرده است که همان جانشینی و نعمتهای گوش و چشم و عقل می باشد که همان وسایل فهمیدن می باشند و کسب علم از طریق آنهاست، خداوند متعال با دادن آزادی اراده ای که ابزار عمل خواسته شده طبق روش و دستورالهی باید و نباید است آبادانی زمین و اصلاح نوع انسان و احیای عمومی را محقق می کند. احساس کرامت ما را و می دارد که در مقابل درون خود اعلام کنیم که ما اهل احترام هستیم و از اینجا آن را بر دیگران نیز لازم می دانیم، ما را و می دارد که در آن احترام الگوهای بلند انسانی در شخصیت ما وجود دارد و اسلام این امر را در خلال معیارهای ایمان قرار داده است، چون ایمان به اندازه خودش معیارهای بلند و کریم انسانی دارد. ایمان کرامت و بزرگداشت انسان از جانب خداوند است. و این بالاترین درجه کرامت است و این یک مبنای اعتقادی است که اعتبار انسان را از دید خودش بالا می برد و هر نیازی از ارزش انسان از دید خودش می کاهد و آن نیازها به خواری و انحطاط فرا می خوانند خواه اینها صریح و آشکار باشند و خواه درونی و مخفی باشند، یکسان است. شیخ محمد طاهر بن عاشور می گوید: معنی حفظ عقل، به طور کلی حفظ عقلهای تمامی مردم میباشد از اینکه خللی در آنها وارد شود، چون وارد شدن خلل در عقل منجر به فساد بزرگ، از جمله عدم قانونمند بودن تصرف می باشد و وارد شدن خلل بر عقل یک فرد منجر به فساد جزئی می شود در حالی که وارد شدن آن بر عقلهای جمعی و عموم امت خیلی بزرگتر است.

این کرامت ثابت است، و برای هیچ کس جایز نیست که از آن بکاهد یا آن را هدر بدهد. چون این کرامت از طرف خالق متعال به انسان داده شده است و اوست که انسان را بزرگ داشته و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری داده است. بنابراین حقوق انسان در اسلام توسط خالق متعال تشریح شده است. پس هیچ بشری نمی تواند که آن را تعطیل کند یا به آن تجاوز کند. این حقوق دارای استحکام و مصونیتی ذاتی است که با اراده فرد، ساقط نمی شود.

حق عدالت :

ما پیامبران خود را همراه با دلائل متقن و معجزات روشن روانه کرده ایم، و با آنان کتابهای (آسمانی) و موازین (شناسایی حق و عدالت) نازل نموده ایم. تا مردمان دادگرانه رفتار کنند و آهن را پدیدار کرده ایم که دارای نیروی زیاد و سودهای فراوانی برای مردمان است. هدف این است که خداوند بدانند چه کسانی او را و فرستادگانش را به گونه نهنان و پنهان یاری می کند خداوند نیرومند و چیره است. (آیه ۲۵ سوره حدید). مردم در آغاز یک دسته بودند. خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را

بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد با آنها نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند داوری کند. (آیه ۲۱۳ سوره بقره).

اساساً رفع اختلافات، امری ضروری برای برقراری نظم در جامعه بشری است و از آنجا که موعظه و نصیحت صرف نمی تواند این مشکلات اجتماعی را برطرف کند، انبیای الهی موظف بودند تا با تشکیل حکومت و اعمال حاکمیت اجتماعی و سیاسی، زمینه رفع اختلافات میان انسانها را بر اساس موازین صحیح فراهم کنند.

عدالت به مقتضای این آیه عام و فراگیر شریعت تمامی انبیاء است. و از آنجایی که اسلام نزد خداوند همان دین است و دین انبیاء و دعوت آنان می باشد. مشخصه اسلام، عدالت است که در اسلام ترازوی جامعه می باشد. و چیزی است که بنای جامعه به آن بستگی دارد. و تمام دسته بندیهای اجتماعی تا زمانیکه نیروی نظم و تربیت در آن نباشد، مبتنی بر عدالت نیستند.

۲. حقوق اجتماعی و فرهنگی :

حق ضمانت اجتماعی :

خداوند رحمت و مودت را میان انسان قرار دارد مودت و دوست داشتنی خالص که برای همه مردم باشد شامل رحمت و مهربانی و ... خداوند در آیه ۱۰۷ سوره انبیاء میفرماید : ما تو را از جز به عنوان رحمت جهانیان نفرستاده ایم. ضمن اشاره به ضمانت اجتماعی اسلام به تربیت اجتماعی نیز اشاره کرده است که با تحقق عدالت نمود پیدا میکند . ای مردمان از خشم پروردگارتان بپرهیزید پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و همسرش را از نوع او آفرید. و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت، و از خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می دهید؛ و بپرهیزد از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید. زیرا که بی گمان خداوند مراقب شماست . (آیه ۱ سوره نساء) . و یکی از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت مسلماً در این امور نشانه ها و دلائلی است برای افرادی که می اندیشند. (آیه ۲۱ سوره روم) . پیامبر (ص) فرموده اند : من برای کامل کردن و تمام کردن ارزشهای اخلاقی برگزیده شده ام . ایشان فرموده اند : همگی شما مسؤول هستید و همگی مسؤول رعیت (افراد تحت ولایت) خود میباشید .

و در کودکی بر آن اساس تربیت می شود و خیر و فضیلت در وی پرورش می یابد و اینها همگی نیاز به زمان و تلاش دارد. چون طولانی ترین دوران کودکی از میان تمام موجودات زنده روی زمین، کودکی انسان است. پس وقتی که بزرگ شد و ضعیفان دیروزی، قوی های امروز شدند. آن کسی که بر اساس مودت و رحمت تربیت شده است عهده دار این امر می شود تا چیزهایی که دیروز به وسیله خوشبخت شده است را به دیگران برگرداند.

ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کرده ایم مادرش بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه ای دچار شده است پایان دوران شیرخوارگی او دو سال است که هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش . (آیه ۱۴ سوره لقمان) . اسلام بر تقویت رشته های نزدیکی روابط میان افراد خانواده تأکید می کند. پس میان افراد آن ضمانت مادی و معنوی ایجاد می کند که اساس آن همان مودت و رحمت است. و همچنین آیه ۶ سوره احزاب می فرماید : خویشاوندان نسبت به همدیگر از مؤمنان و مهاجران در کتاب یزدان قرآن از اولویت بیشتری برخوردارند.

در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید. (آیه ۲ سوره مائده). پس همکاری میان افراد با همدیگر امر واجبی است که اسلام برای مصلحت جامعه آن را بیان کرده است.

حق بنای خانواده :

ما پیش از تو پیامبرانی را روانه کرده ایم و زنان و فرزندان بدیشان داده ایم. (آیه ۳۸ سوره رعد) . احکام متعالی اسلام به گونه ای است که مصالح عالی جامعه اسلامی را به بهترین گونه تأمین می سازد. خانواده که اولین و مهم ترین نهاد اجتماعی است، جایگاه ممتازی در جامعه اسلامی دارد. اساساً احکام مبین اسلام به گونه ای است که از دل آن، خانواده قدرتمند شکل می گیرد و هرگاه یکی از این احکام نادیده انگاشته شود ، تزلزل نیز به همان میزان در خانواده به وجود خواهد آمد. بند اول ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره، بر حق مرد و زن برای ازدواج تأکید نموده و تصریح کرده است که

هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یارنگ یا قومیت باشد، نمی تواند از این حق آنان جلوگیری کند. براساس بند دوم ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره، علاوه بر جامعه، حکومت نیز موظف شده است تا موانع را از فرار از دواج برداشته و راه های آن را آسان گرداند و بدین طریق، حمایت های لازم را از خانواده به عمل آورد.

حق تعلیم و فرهنگ:

بخوان به نام پروردگارت، آن که آفریده است، انسان را از خون بسته آفریده است. بخوان! پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده تر است، همان خدائی که به وسیله قلم آموخت، بدو چیزهایی را آموخت که نمی دانست. قطعاً انسانها سرکشی و تمردی آغازند. آیات یک تا شش سوره علق).

همچنانکه انسان حق دارد که غذا بخورد تا زندگی جسمانی را حفظ کند همچنین حق دارد که حقوق و واجبات خود را یاد بگیرد. در جامعه ی اسلامی تعلیم و تربیت اهمیت ویژه ای دارد و از وظایف حکومت اسلامی است که به آن اهتمام ورزند. در بند نخست ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره در این باره آمده است:

طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب بر جامعه و دولت است، و بر دولت لازم است که راه ها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین و اسلام و حقایق هستی، معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد. البته براساس بند دوم همین ماده، تعلیم و تربیت انسان ها، شامل مسائل دنیوی و اخروی رانیز شامل می شود و این تربیت باید متکامل و متوازن باشد، به گونه ای که ایمان آنان به خدا و احترامشان به حقوق و وظایف فراهم شود. به منظور نیل به اهداف عالی حکومت اسلامی، مردم باید با هر اعتقاد و مذهبی، تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار گیرند. شیخ محمد بن عاشور می گوید: علومی که مردم به دست می آورند و علومی که در گذشته به دست آورده اند و در آینده به دست می آورند، همگی به سوی غایتی پیش می روند که یا اصلاح فکرو عمل است و وسیله ای برای اصلاح اعتقاد است تا مانع و بازدارنده درونی را کامل کند است تا از خطای اندیشه در هر هدفی به دور بماند و یا به خاطر اصلاح عمل است هنگامی که بخواهد کاری انجام دهد تا از خطای وارده بر فاعل آن کار به دور باشد. پس ناگزیر تشویق به علم آموزی، تشویق به اصلاح فکر خداوند شما را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید و او به شما گوش و چشم و دل داد تا سپاسگزاری کنید. (آیه ۸۷ سوره نحل). انسان عالم به دنیا نمی آید بلکه به وسیله ی نعمت هایی که خداوند به او داده است، استفاده کند و وجود معنوی خود را شکل دهد. همان طور که خداوند می فرماید: بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابر هستند. (آیه ی ۹ سوره زمر). پیامبر (ص) میفرماید: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. بنابر این تعلیم و آموزش حق الزامی بزرگترها و دولت است. و این امر گاهی از طرف پیامبر (ص) اجرا شده است. به گونه ای که در قبال آزادی اسیران جنگ بدر بایدهر کدام از اسراء به ده نفر از کودکان مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند. آیا نیندیشیده ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، آن گاه از آن (آب) فرآورده هایی به رنگهای گوناگون بر آوردیم. و از کوه ها راههایی است با رنگهای گوناگون که برخی از آنها سفید و برخی دیگر سرخ و برخی سیاه سیاهند. و نیز از مردم و جانوران و چارپایان که هم چنان رنگش گوناگون است. (پدید آوردیم). جز این نیست که از خداوند، بندگان عالمش بیم دارند. بی گمان خداوند پیروزمند آمرزنده است. (آیات ۲۸ و ۲۷ سوره فاطر). اما ذکر نکته حائز اهمیت است که اسلام تشویق خود را تنها منحصر به علوم دینی نکرده است بلکه به آموختن تمام علوم و معرف بشری تشویق کرده است. با وجود این قرآن بیان می دارد که محدود شدن به علم دنیوی بدون در نظر گرفتن آخرت همان علم به ظواهر اشیاء است. و از هنگام ولادت نابودی و فنای خودش را با خود دارد و این به فروپاشی تمدنها اشاره دارد در نتیجه استفاده انسان از وسایل جدید علمی برای جنگ و نابودی بیشتر از استفاده آنها در جهت مصلحت و نفع عمومی تمامی افراد انسانی است. و بگو خدایا بر دانش من بیافزای. (آیه ۱۱۴ سوره طه). اسلام آموزش فرهنگهای بیگانه را به شرط آموختن از فرهنگ اسلامی بیان داشته است و استفاده از فرهنگهای دیگر به گونه ای که معارض اصول اسلام و فضائل آن نباشد و به عقیده های فاسد و مذهب های ویرانگر و فلسفه های گمراه کننده و منحرف از روش استوار اسلامی دعوت نکند، ممکن است. پیامبر (ص) روزی گروهی از مسلمانان را ستود و سپس فرمود این قوم و طایفه را چه می شود که به همسایگانشان چیزی نمی آموزند و چیزی به آنها یاد نمی دهند و.

این قوم را چه می شود که از همسایگانشان چیزی یاد نمی گیرند، قسم به خدا گروهی از همسایگانشان یاد گرفتند و بر آنها یاد دادند یا عقوبت خود را به پیش آورده اند. سپس پایین آمد. و گفته شد منظور اینها چه کسانی بودند؟ سپس فهمیدند که منظور پیامبر (ص) اشعریها بوده است چون اینها گروهی از فقها بودند که همسایگان نادان و جفاکاری بودند. این مطلب به گوش اشعریها رسید و نزد پیامبر آمدند و گفتند ای رسول الله گروهی از ما را به نیکی و گروهی از ما را به بدی یاد کرده ای ما را چه می شود؟ فرمود: گروهی از شما به همسایگانشان علم بیاموزند یا از همسایگانشان علم بیاموزند و یا عقوبت خود را در دنیا جلو بیاورند. گفتند یا رسول الله: دیگران بر ما می خروشند پیامبر (ص) سخنش را برای آنها تکرار کرد و آنها از پیامبر (ص) یک سال مهلت خواستند تا این توضیح ارزشمند پیامبر (ص) معلم را اجرا کنند.

حق انسان در داشتن محیطی سالم:

اسلام به اصول و مبادی مهمی که به سعادت و خوشبختی انسانها می انجامد، توجه کرده است. چرا که محیط سالم زیستی، زمینه بهره وری از محیط پیرامون را به منظور نیل به کمالات روحی و معنوی، بهتر فراهم می سازد. راه حل مشکلات عمیق و ریشه دار محیط سالم زیستی جهانی در حال حاضر، تنها و تنها پناه بردن به احکام متعالی اسلام است. از جمله این اصول حق انسان در داشتن محیطی سالم است که امور دیگری از آن ناشی می شود. از جمله حق کرامت انسانی و جانشینی وی در روی زمین، خصوصیات بزرگ منبشانه اخلاقی و مقاصد شریعت که انواع فساد را در روی زمین ریشه کن می کند. پیامبر (ص) می فرماید: در اسلام نه ضرر رساندن به دیگری وجود دارد و نه دفع و جبران این ضرر با ضرر دیگر.

پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می کنند. (آیه ۴ سوره نمل) هنگامی که روی برمی گردانند در راه فساد در زمین کوشش می کنند و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند. (آیه ۲۰۵ سوره بقره).

به سبب اهمیتی که بهداشت و سلامت در آموزه های دینی دارد در بند دوم ماده ۱۴ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره تصریح شده است که دولت و جامعه موظف اند برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز، برحسب امکانات موجود، فراهم کنند. فقه اسلامی در موارد متعددی به حفظ محیط زیست و سلامت و مسایل بهداشتی توجه کرده است مثلاً باب طهارت. همچنین در احکام فقهی، ارتباط وثیقی بین محیط پاک و سالم با نماز، زکات، صدقات، اوقاف، احیای موات، مزارعه، مساقات، و ... می یابیم. بنابراین در جای جای فقه از سلامت، بهداشت و حفاظت از محیط زیست بحث شده است.

بنا بر این اسلام با دیدگاه فراگیر خود قصد ایجاد محیطی سالم را از همه ی ابعاد مورد نظر که شامل: بعد طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دارد.

۳. حقوق سیاسی و مدنی

این حقوق شامل: آزادی شخصی، آزادی عقیده، آزادی فکر و اندیشه، حق عمل، حق مشارکت سیاسی، حق ملکیت می باشد. که تشریح هر یک خواهیم پرداخت.

آزادی شخصی:

آزادی شخصی عبارت است از اینکه فرد در امور شخصی خود و تمامی آنچه که مربوط به خود است قادر به تصرف باشد و از تجاوز به خود یا آبروی خود یا تجاوز به اموالش یا هر یک از حقوقش در امان باشد و نباید در تصرفات وی تجاوزی علیه دیگری وجود داشته باشد. آزادی شخص به چند قسمت تقسیم می شود که از مجموع آنها آزادی که مهمترین ویژگی انسان است. به دست می آید و آنها عبارتند از: آزادی خویشتن، آزادی مسافرت و مهاجرت و پناهندگی، حق امنیت، احترام و ارزش مسکن، حق سری بودن نامه ها و مکاتبه ها. اسلام شأن این آزادی را خیلی فراتر دانسته است وقتی بیان می کند که انسان نمی تواند حقوق والدین را اداء کند و خداوند تشکر از خود را همسان تشکر از والدین قرار داده است و می فرماید: که هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادر باش (آیه ۱۴ سوره لقمان). انسان هر چقدر می تواند به والدین نیکی کند فقط در صورتی می تواند نیکی آنها را جبران کند که آزادی شخص آنها را به آنان ببخشد، یعنی وقتی والدینش برده دیگری هستند و او آنها را آزاد

کند. مسلم در صحیح خود از ابوهریره روایت میکند که پیامبر(ص) فرمودند: هیچ فرزندی نمی تواند نیکی والدینش را جبران کند مگر اینکه او را مملوک و برده دیگری بیابد و او را بخرد و آزادش کند. با تدقیق در آیات زیر میتوان اهمیت آزادی از نظر اسلام را دریافت.

ما راه را بدو نموده ایم، چه او سپاسگزار باشد یا بسیار ناسپاس. (آیه ۳ سوره انسان). بنابراین اسلام بر این آزادی، با دادن آزادی اراده تأکید می کند تا آنچه را که می خواهد انجام دهد و آنچه را که نمی خواهد رها کند. اجبار و اکراهی در دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است. (آیه ۵۶ سوره بقره). بگو: هر کسی برابر روش خود کار می کند و پروردگارتان بهتر می داند که چه کسی راهش درست تر است. (آیه ۸۴ سوره اسراء).

آزادی عقیده:

اجبار و اکراهی در دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است. (آیه ۲۵۶ سوره بقره). آزادی عقیده، اولین حقوق انسان است که وصف انسان بدان درست است. پس کسی که آزادی عقیده را از انسان سلب کند در حقیقت انسانیت وی را از او سلب کرده است.

بگو حق از سوی پروردگارتان است پس هر کس که می خواهد ایمان بیاورد و هر کس که می خواهد کافر شود. (آیه ۲۹ سوره کهف). بنابراین دعوت به اسلام با خشنودی و دلیل عقلی اسات و بدون اکراه می باشد، ولی در مقابل وقتی که مورد آزمایش قرار گیرد، حق دارد که با قوت از عقیده خود دفاع کند.

آزادی فکر و اندیشه:

آزادی فکر یکی از مهمترین آزادیهای اساسی به شمار می رود. که واجب است انسان از آن برخوردار باشد. چون فکر گرانبهاترین موهبتهای انسانی است و ابزاری برای کسب علم و دانش و معرفت و حکمت می باشد. همچنین ابزاری است که از آن به آزادی اراده انسان تعبیر می شود و شخص را قادر می سازد که میان فضیلت و رذیلت، خیر و شر تمییز قائل شود. فکر ثمره و نتیجه عقل است. و اصلاح نظر همان ثمره ای است که فکر و سپس عقل سالم به دست می آورد. آیا آنان به ملک آسمانها و زمین و به هر آنچه که خدا آفریده است نمی نگرند. (آیه ۱۸۵/ سوره اعراف). تنها چیزی که اسلام فکر کردن در مورد آن را منع کرده است، تأمل در ذات خداوند می باشد. چون عقلهای کوتاه انسانها به ذات خداوند نمی رسد. هر نوع توجیهی از طرف نیروهای فکری در مورد امثال چنین موضوعی ضایع کردن نیروهای انسانی در چیزی بی فایده به شمار می رود.

حق عمل:

در اسلام هر عملی که به خاطر رضای خداوند باشد، عبادت است بنابراین اسلام بیکاری را نمی شناسد آن را بیان نکرده است. پاکترین و بهترین کسب و کار آن است که انسان از آن بخورد. بی اعتنا بودن نسبت به کار و کار نکردن اخلاقی است که اسلام آن را دوست ندارد. پس شایسته نیست که در جامعه اسلامی نیروهای بیکار وجود داشته باشند که مایل باشند که بر دوش دیگران زندگی کنند. و سر بار آنها شوند. بلکه بر هر مسلمانی لازم است که در هر حرفه ای که دوست دارد هر چند که از نظر مردم پست و خوار باشد، کار کند. کسی که فقه اسلامی را بررسی می کند در می یابد که فقهاء زیادی کار و تهیه فرصتهای آن را واجب دانسته اند و به هر انسانی کار مناسبی را واگذار کرده اند. و این همان تنظیم جمعی و سالمی است که ثمره هر یک از نیروها زیاد می شود بدون آنکه نیروی بیکار مانده باشد یا نیرویی کمتر از اندازه کار انجام داده باشد. و یا نیرویی بیش از اندازه کار انجام داده باشد که کار را خراب می کند. خلاصه آنچه که مورد هدف اسلام است این است که حق معیشت را به طور شایسته برای کارگر ضمانت کند که این حق شامل تغذیه، پوشاک، مسکن و توجه بهداشتی می شود. و این امر با فراوان کردن فرصتهای کار برای کارگر دادن حق کامل وی بعد از پایان کارش می باشد. و دستمزد وی با کارش اگر زیاد نباشد باید مساوی باشد. و با وجود علاقه و انگیزه وی، او را تشویق کند و مهارتهایش را توسعه بدهد و سطح انجام کار وی را تحسین کند و مواهب وی را صیقل بدهد. و کار طاقت فرسا و بیش از توان به او ندهد، و در رعایت این امور باید مصالح عمومی را رعایت

کند و ضرری به مصلحت عمومی وارد نکند. چون مصلحت عمومی مقدم بر مصلحت خصوصی است. چون به مصلحت غایی امت می انجامد.

حق مشارکت سیاسی:

بی گمان خداوند به شما دستور می دهد که امانتها را به صاحبان امانت برسانید. وهنگامی که در میان مردم به داوری نشستید اینک دادگرانه داوری کنید. (آیه ۵۸ سوره نساء) . وظیفه ولی امر مسلمانان است که برای کارهای مسلمانان تواناترین و شایسته ترین آنها را انتخاب کند تا اجابت این امر خداوند متعال باشد پس بر ولی امر واجب است که برای هر یک از کارهای مسلمانان فردی را که برای آن کار شایسته تر است مسؤول کند. در این موارد منظور از مشارکت سیاسی این است که هر انسانی از این حق بهره مند باشد که مدیریت های کوچک یا بزرگ را سرپرستی نماید مادامی که شایستگی و اهلیت آن مدیریت را داشته باشد. اما نوع دیگری هم از مشارکت جود دارد و آن حق هر انسانی است که رأی و نظر خود را در مورد امور عمومی جامعه بدهد و طبق نظر خود در چارچوب ضوابط شریعت آنها را نقد و بررسی کند. در این مورد باید گفت : ابتدا اسلام امور مسلمانان را به صورت امور مشورتی در میان آنها قرار داده است و این امر آنها را در حکم به عنوان شریک قرار می دهد تا تابع اختیار خود باشند. پس از اختیار خود بهره می برند. و اگر انتخاب بد کرده باشند، بدی آن را می چشند. و وظیفه آنهاست در این هنگام آن را با امر به معروف و نهی از منکر معالجه کنند .

از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی، و اگر درشتخوی و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان در گذر و برایشان طلب آموزش نما، و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی بر خدا توکل کن چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد. (آیه ۱۵۹ سوره ال عمران) . شورا با قرآن و سنت، ثابت شده است. این آیه خطاب به پیامبر(ص) است که با صیغه امر می باشد، و اصل این است که صیغه امر مقتضی بر وجوب است. پس وقتی که این امر متوجه پیامبر(ص) است . در حالی که به خاطر نزول وحی بی نیاز از مشورت می باشد. به طریق اولی شورا بر والیان و مدیران کشور واجب می باشد. و کسانی که دعوت پروردگارشان را پاسخ می گویند، و نماز را چنان که باید می خوانند، و کارشان به شیوه رایزنی و بر پایه مشورت با یکدیگر است، و از چیزهایی که بدیشان داده ایم صرف می کنند.(آیه ۳۸ سوره شورا) .

در این آیه خداوند مؤمنان را با صفات جماعت مسلمان وصف و مدح کرده است. و امور واجبی را از جمله لبیک گفتن به واجبات خداوند و ادای نماز و کمک های واجب تضمین کرده است که بر اهمیت و وجوب شورا دلالت می کند. و وجوه دلالتی این آیه وجوب عمل به شورا برای حاکم و محکوم و شهروندی می باشد. پس شورا بر حاکم واجب است تا حکومت تبدیل به دیکتاتوری نشود و بر شهروندان و مردم نیز واجب است که همراه حاکم در شورا سهم داشته باشند تا تبعات مشارکت خود را تحمل کنند.

حق ملکیت :

و از مال و ثروت خدا، که خدا به شما داده است، بدیشان بدهید. (آیه ۳۳ سوره نور) . و اموال و دارائی را بسیار دوست می دارید.(آیه ۲۰ سوره فجر) . دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیایند.(آیه ۴۶ سوره کهف) . اسلام حق ملکیت را موافق طبیعت انسان و فطرتی که بر آن سرشته شده است، بیان کرده است. چون انسان بر اساس عشق به مال و تنگ نظری نسبت به آن آفریده شده است. بعضی از آیات قرآن کریم حق ملکیت فردی را بیان می دارند مانند : و از چیزهایی ببخشید که شما را در آنها نماینده خود رد تصرف) کرده است.(آیه ۷ سوره حدید) . کسانی که دارائی خود را در شب و روز صرف می کنند . (آیه ۷۴ سوره بقره) . علاوه بر این آیاتی نیز وجود دارند که حق ملکیت جمعی را بیان می کنند و ملکیت را به خداوند متعال نسبت می دهد . و از مال و ثروت خدا، که خدا به شما داده است بدیشان بدهید . (آیه ۳۳ سوره نور) . بی گمان زمین از آن خدا است به کسانی از بندگان خود واگذار می کند که خود بخواهد. (آیه ۱۲۸ سوره اعراف) .

پس چون اسلام حق ملکیت را بیان داشته است پس احترام به آن و یا عدم تجاوز به آن را نیز مترتب کرده است. همان طور که پیامبر (ص) می فرماید : استفاده از مال هیچ مسلمانی جز با رضایت و خشنودی صاحب آن، حلال نیست. البته محدودیت

ها و حقوقی نیز برای ملکیت در نظر گرفته شده است که خارج از بحث این مقاله می باشد. در اسلام برای بعضی از افراد بنا به موقعیت و جایگاهشان حقوقی در نظر گرفته است مثلاً حقوق والدین. خداوند در آیه ۲۳ سوره اسراء می فرماید: پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید. و در آیه ۱۴ سوره لقمان می فرماید: که هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش. و هم چنین در آیه ۳۶ سوره نساء می فرماید: خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او مکنید و نیکی کنید به پدر و مادرامر به نیکی کردن والدین به امر به عبادت خداوند متعال عطف شده است. چون خداوند متعال همان خالق انسان است که شایسته عبادت است چون انسانها را به وجود آورده است. و به خاطر اینکه خداوند والدین را علت ایجاد مردم قرار داده است به نیکی و احسان به آنها امر کرده است. و خالق شایسته عبادت و پرستش است و بی نیاز از احسان و نیکی است. چون عبادت بزرگترین قدردانی در مقابل بزرگترین منت است. ولی والدین که سبب وجود هستند مستحق احسان و نیکی هستند نه عبادت چون آنها محتاج احسان و نیکی هستند نه عبادت، و چون آنها به وجود آورنده حقیقی نیستند. و خداوند متعال والدین را براساس مهربانی و شفقت به فرزندانشان آفریده است و به فرزندان امر کرده است که جواب این مهربانی و شفقت را با نیکی و احسان به والدین جبران کنند. دین مبین اسلام در آیات و روایات بسیاری علاوه بر نیکی به پدر و مادر و ثمرات نیکی به آنها، به اطاعت از آنها دستور داده و بی حرمتی به آنها را تحریم کرده است.

بعد از حقوق والدین میتوان به حقوق انسانی که شامل مساوات میان زن و مرد در کرامت انسانی و مراقبت از بچه ها و بزرگ کردن آنها و حتی دفاع از جنین و حقوق وی، حقوق نوزاد بعد از ولایت هم اشاره کرد که هر کدام به نوبه ی از جانب اسلام از حق و حقوقی برخوردار می باشند. مثلاً آیات زیر نشان دهنده ی مساوات میان زن و مرد در کرامت انسانی می باشند:

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید، بی گمان گرمی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شماست. (آیه ۱۳ سوره حجرات). هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی ای پاک زنده می داریم و پاداششان را به نیکوترین آنچه می کردند، به آنان می دهیم. (آیه ۹۷ سوره نحل).

خداوند متعال می فرماید: ای پیامبر، چون زنان مؤمن به نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند بر آنکه چیزی را با خداوند شرک نیاورند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندانشان را نکشند و بهتانی را که با آن فرزندی را به شوهرانشان نسبت دهند، در میان نیاورند و در کارهای نیک (از فرمان) تو سر پیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خداوند برای آنان آمرزش بخواه. بی گمان خداوند آموزگار مهربان است.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت: همه انسان ها و به طور کلی بشریت دارای حقوقی است که برای همه از هر رنگ و نژاد و تیره و قبیله ای و با هر مذهب و مرام و مسلکی محفوظ است و همگان باید به آن احترام بگذارند و مدنظر قرار دهند اما هدف اسلام و حکومت اسلامی تعالی یافتن و نیل انسان به کمال نهایی می باشد و حقوق بشر به لحاظ شایستگی و بایستگی نیز نه تنها جواز، بلکه ضرورت دارد. چون حقوقی است که خداوند خالق آن که علم محض و خیر محض است برای او قرار داده است. موضوع کرامت انسان از دیدگاه اسلام یک قاعده ی اساسی می باشد و آزادی حق بنیادین بشر است که هم شامل آزادی درونی (ذاتی) است که متعلق به اراده و اختیار است. و هم آزادی بیرونی که متعلق به بعد جمعی بودن انسان است که به آزادیهای عمومی معروف است که در این اسلام از کرامت انسانی توسط خداوند و جانشینی وی در روی زمین سرچشمه می گیرد. اسلام حقوق هیچ انسانی را براساس تغییر و اختلاف میان بشر در رنگ و جنس و عقیده و مقام و منزلت و ثروت ضایع نمی کند. حقوق انسان در چهارچوب قرارداد اسلامی به دور از هرگونه تنوع و اسقاط می باشد. توجیهاتی که اسلام را از دعاوی در این مورد مبالغه می کند، خارج میکند. بنابراین دیدگاه اسلام در مورد انسان که وی را با تکریم خداوندی گرمی داشته است مورد قبول است. بنابراین وظیفه اندیشمندان مسلمان است که نخست به کشف، تدوین و تنظیم حقوق بشر اقدام کنند. سپس، به ارائه آن به جهان معاصرگفت و گو برای اقتناع جهانی، تا آنجا که ممکن است، بپردازند و بدین گونه تأثیرگذاری

بر حقوق بشر معاصر را جایگزین انفعال و تأثیرپذیری از آن کنند. کاری که مدت ها است آغاز شده است و تا رسیدن به سرمنزل مقصود باید ادامه یابد .

منابع

۱. قرآن کریم
۱۰. مهر پور حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. انتشارات اطلاعات. ۱۳۷۴.
۱۱. مهرپور، حسین. نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۸.
۱۲. نائینی، میرزا محمد حسین، منیة الطالب، ترجمه موسی نجفی خوانساری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی ۱۴۱۸ قمری
۱۳. معین ، محمد ، فرهنگ معین ، انتشارات امیر کبیر . ۱۳۵۰.
۲. باقر زاده ، محمد رضا ، جهان شمولی حقوق بشر در اسلام ، قم مؤسسه امام خمینی . ۱۳۷۷.
۳. مهدی، سیدیان و قاسم شبان نیا ، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب ، فصل نامه معرفت شماره ۹۳، ۱۳۸۴.
۴. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: بنیاد راستا . ۱۳۶۳.
۶. دشتی ، محمد ، نهج البلاغه ، انتشارات قم - ایران . ۱۳۷۹.
۷. سعید الغامدی ، عبدالطیف بن ، حقوق بشر در اسلام . ۱۳۹۲ .
۸. فیروز آبادی ، القاموس المحيط . ۷۲۹-۸۱۷ ق .
۹. کاتوزیان، ناصر. فلسفه ی حقوق، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۵۲.
۱۰. مصطفوی، سید جواد، حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مجله مشکوه، شماره ۱۳۱۵، تابستان ۱۳۶۶.
۱۱. پروین ، محمد و فضل الله موسوی، اسناد بین المللی حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مجله حقوقی بین المللی، ۱۳۸۶.